تحلیل تشبیه از منظر تصویر و مضمون در «ناظر و منظور»

* دکتر احمد کریمی

** زهرا شمسی پور لنگرودی

چکیده:

این مقاله به تحلیل تشبیه از منظر تصویر و مضمون در «ناظر و منظور» پرداخته است.
زیورهای بیانی نهرهایی زلالند که به آبگیر سخن جاری شده، آن را پویا و گوارا می سازند. از این رهگذر توسّل به دامن تشبیه، کلام را قوی تر و تأثیر آن را بیشتر می کند.

سبک وحشی بافقی کلاسیک و تصاویر در اشعارش عینی و نمایان است. تشبیهات بلیغ اضافی در بالاترین بسامد، نشان از توجّه خاصّ شاعر به رساترین و زیباترین نوع تشبیه دارد. در تشبیهاتِ مرسل کاربرد واژگانی نظیر: به رنگ، بر صورت، صفت، عین، آسا و ... به عنوان ادات تشبیه از نشانه های سبکی شاعر محسوب می شود. زبان ساده شاعر سبب آفرینش تشبیهات حسّی به حسّی فراوانی می گردد. از حیث شکل، تشبیه مفروق بیشترین تصاویر را می سازند. در «ناظر و منظور» عناصر انتزاعی و شهزاده منظور بیشترین تصاویر را تشکیل می دهند. علاقه ی شاعر به محیط پیرامونش سبب می شود تا به اعتبار مشبّه به، اشیا و عناصر طبیعی در هر دو اثر بیشترین تصاویر جاندار و پویا را پدید آورند.

شاعر با به کارگیری عواملی نظیر: اغراق در تشبیه، تلفیق آرایه های تشخیص، تناسب، حُسن تعلیل و گرایش به توصیف، تصاویری ماندگار خلق می کند.

مضامین اخلاقی و حکمی ،همچنین تصاویر عاشقانه ی «ناظر و منظور» علاوه بر التذاذ ادبی و حظّ عاطفی، بر اندیشه و افکار انسان نیز تأثیر گذار است.

واژه های کلیدی: تشبیه، تصویر، مضمون، ناظر و منظور

Archive of SID

---

* استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

** دانش آموخته ی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

تاریخ دریافت مقاله : ۱۳۹۰/۸/۸ تاریخ پذیرش مقاله : ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

www.SID.ir

مقدّمه:

وحشی بافقی شاهبازی بلندپرواز در مکتب وقوع و واسوخت به شمار می رود. شاعر «ناظر و منظـور» را به اقتفا از خسرو شیرین نظامی گنجوی سروده است. وی بسان نقاشی چیره دسـت، تصـاویر شـعری دل انگیزی خلق نموده است. چگونگی نمایش اندیشه ها و احساساتش زیبایی آثار وی را آشکار می سازد. وی با بهره گیری از عناصر زیبا ساز کلام برای القای معانی و تخیّلات و تفکّرات خویش سود می جوید. معـانی دور را نزدیک و رفعت وضوح معانی را افزون می سازد و لباس شـرف و ارج بـر اندیشـه و احسـاس مـی پوشاند. «خیال» شاعر بسان عمود خیمه ی هنر است. «معانی»، ساکنان این خیمه و «عواطـف» آغـوش گـرم خانواده ی صحرانشین. تشبیه ابزاری است که نهفته های انسـانی را در کسـوتی جـذّاب و گیـرا جلـوه گـر می سازد.

در این مقاله عنصر تشبیه از منظر تصویر و مضمون در مثنوی «ناظر و منظور» نقد می شود. این امر بـه منظور بررسی جنبه های تصویر ساز اشعار، همچنین برجسته سازی و شناخت تصاویر از حیـث مضـمون و محتوا تحلیل شده است. نبود مجموعه ای مدوّن در این زمینه، انگیزه و ضرورت نگارش آن را ایجاب نموده است. برای دست یابی به اهداف مورد نظربه شیوه ی کتابخانه ای و فیش برداری ابیات نقد و توصیف شده اند. همچنین هاله های تصویری، نمودار آماری و جداول هر یک نشان داده شده است.

گویی تشبیه با جادوی خیال، آنچه را غایب است و پنهان، حاضر مـی کنـد و عیـان. «تشـبیه هسـته ی اصلی و مرکزی اغلب خیال های شاعرانه است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱ :۲٤)

این عنصر خیالی برحسب دوری و نزدیکی، روشنی و تاریکی مشبه و مشبهٌ به و صفات آنها، به میـزان نیروی خلّاقانه ی شاعر گونه های مختلف می یابـد و بسـان آفتـابی، شـعاع آن اجـرام بیشـماری را روشـن می کند. اهمّیّت تشبیه در تصویر سازی به حدّی است که دکتر شفیعی کدکنی در تعریف تصویر آن را اوّلین مقوله ذکر می کند: «مجموعه ی تصرّفات بیانی و مجازی (از قبیـل تشـبیه، اسـتعاره، کنایـه، مجـاز مرسـل، تشخیص و ...) تصویر نامیده می شود.» (شفیعی کدکنی،صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۸۳ : ٥٦)

«تصویر حلقـه زدن دو چیـز از دو دنیـای متغـایر اسـت بـه وسـیله ی کلمـات در دو نقطـه ی معـیّن (براهنی، ۱۳۷۱ : ۱۱٤)

سکاکی ارزش تشبیه را چنین بیان کرده است : « در یک تشبیه ، تمام تلاش ها بـرای برکشـیدن مشـبّه است ، بنا بر این سود حاصل از تشبیه نصیب مشبّه می شود . » (سکاکی ، ۱۳۷۹: ٤٤٨)

«هدف از تشبیه غالباً بر کشیدن و کمال بخشیدن مشبّه است.» (صادقیان، ۱۳۷۱ : ۱۷۳)

نقد و بررسی:

تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت نمایی است.در علم بیان،از گذشته تا کنون ، اهمّیّت خاصّ تشبیه ، نزد بزرگان ادب فارسی بر کسی پوشیده نیسـت. «نخسـتین، شایسـته تـرین و سزاوارترین چیزی که باید در آن به طور کامل اندیشیده و دقّت شود بررسی تشبیه است.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۱٦)

در این مقاله، پیام ها و تصاویر در حوزه ی تشبیه، در مثنوی «ناظر و منظور» ازسه دیدگاه مورد تحلیـل و بررسی قرار می گیرد:

الف) تعریف تشبیه : اساس صور خیال احساس و تأثّراست وعامل عمده ی آن ، تشـبیه اسـت .تشـبیه همانندی شیء یا حالتی به چیزی دیگر با ویژگی یا صفات مشترک است. «تشبیه در اصطلاح عبـارت اسـت از برقراری مشابهت بین دو یا چند چیز به قصد اشتراکشان در یک یا چند صفت.» (هاشمی، ۱۳۸۰ : ۲٥٥)

Archive of SID

www.SID.ir

رشیدالدّین وطواط تشبیه را چنین تعریف کرده است : « این صنعت چنان بود که دبیر یا شاعر چیزی را به چیزی مانند کند در صفتی از صفات . » (رشیدالدّین وطواط ، ۱۳٦۲ : ٤۲)

ب) ساختار و شکل : از منظر تصویر به انواع تشبیه از لحاظ شکل و ساختار پرداخته شده است. بر این اساس، تشبیهات مفروق بالاترین بسامد را از نظر شکل به خود اختصاص داده اند. از نظر ساختار، تشبیهات بلیغ اضافی از نوع حسّی به حسّی بیشترین درصد فراوانی را داشته اند. تشبیهات مفرد در مقایسه با مقیّد و مرکّب بسامد بیشتری داشته، وجه شبه تخییلی بسیار زیبا به وفور دیده شده است.

در بررسی تشبیه به اعتبار موضوع مشبّه، در «ناظر و منظور» عناصر انتزاعی و شهزاده منظور از بسامد بالاتری برخوردار بوده اند. دراین اثر بیشترین عناصر سازنده ی تصاویر به اعتبار مشبهٌ به، اشیا و عناصر طبیعی است.

ج) مضمون و محتوا : در «ناظر و منظور» که شامل داستان هایی عاشقانه می باشد علاوه بر تشکیل تصاویر زیبای عاشقانه، پند و اندرزهای حکیمانه، مفاهیم ارزشی، انسانی و اخلاقی به وفور یافت شده است. بنابراین، شاعر با بیانی ساده و روان، علاوه بر خلق تصاویری نغز و دلکش و ایجاد التذاذ ادبی و حظّ عاطفی بر اندیشه های ناب ارزشمند اخلاقی و حکمی اثربخش بوده و بستر تقویت آن ها را فراهم می آورد.

الف :فصل اوّل)تحلیل تصاویراز حیث ساختار و شکل:

از حیث ساختار و شکل، تشبیهات ذیل نمود داشته اند:

۱- تشبیه مرسل (صریح):

«تشبیهی است که در آن ادات ذکر شود .» (تجلیل ، ۱۳٦۲ : ٥۷)

به عبارت دیگر ،تشبیه صریح «آن است که بعضی از کلمات تشبیه در آن مستعمل باشد.»(رازی ،شمس قیس ،۱۳۷۳: ۳۰۷)

در این نوع تشبیه با ذکر ادات، تصاویر از حرکت و پویایی برخوردارند. یکی از ابتکارات خاصّ شاعر در این بخش، کاربرد حروف الفبا در ارکان اصلی تشبیه است که به قصد تصویر آفرینی و غنا بخشیدن زیبایی به اشعار صورت گرفته است.

نمونه ابیات در «ناظر و منظور» (۱)

الف قدان بسی با لعل چون نوش چو شمعی پیش تابوتش سیه پوش (وحشی بافقی،ص ٤۸۱ب۱٤٤۰)

شاعر قدّ شهزاده منظور را در رعنایی به (الف) مانند کرده است.

در بیتی دیگر: تعظیم و اکرام چرخ را در مقابل ساحت با عظمت و نام پیامبر اکرم(ص) به خمیده بودن حرف دال تشبیه کرده که به پای نگین آفرینش محّمد (ص) افتاده و بر آن بوسه می زند.

بزرگی بین که خم شد چرخ از اکرام که همچون دال بوسد پای این نام (همان، ۱۰۰)

ابداع دیگر شاعر در این نوع تشبیه کاربرد واژگانی نظیر: به رنگ، صفت، بر صورت، آسا، عین، سان و ... به عنوان ادات تشبیه است که از نشانه های سبکی شاعر محسوب می شود. این واژگان به تشبیهات رنگ و بویی تازه بخشیده و از رهگذر آن ها تصاویر دلچسب و زیبایی خلق شده است.

«بعضی از اسم ها که افاده ی معنی مشابهت می نمایند با کلمه ی دیگر ترکیب می شوند و کاری شبیه به کار پسوند مشابهت می کنند.این قبیل واژه ها شبه پسوند نام دارندکه عبارتند از : وضع ، سرشت، کردار ، صفت ، مثال ، رنگ و ...» (فرشید ورد، ۱۳٦۳ : ٤۳٦)

Archive of SID

www.SID.ir

۱) « ص » نشانه ی اختصاری صفحه و«ب » نشانه ی اختصاری بیت است که بر اساس مثنوی ناظر ومنظور از دیوان کامل وحشی بافقی با مقدّمه ی استاد سعید نفیسی ، حواشی از م. درویش اقتباس شده است .

در «ناظر و منظور» وحشی بافقی نیز ابیاتی به چشم می خورند که در آنها شبه پسوند ها به زیبایی به کارگرفته شده اند .

به نمونه هایی از این ابیات در ذیل اشاره می شود:

به رنگ چشم آهو مهره ی گل فلک بر صورت بال عنادل (ناظر و منظور،ص ٤٢٤ ب ٢١٧)

شاعر برای مانند سازی مهره ی گل به چشم آهو و بال بلبلان به فلک، به ترتیب از شبه پسوندهای به رنگ و بر صورت استفاده کرده است .

به کس عنقا صفت منمای دیدار زمردم رو نهان کن کیمیا وار (همان، ٢٠٩٦)

در این بیت شاعر مخاطب خویش را به یاری واژه ی «صفت»مخاطب خویش را به عنقا تشبیه نموده است.

قضا چون رایت هستی بر افراخت علم را عین نامش سرعلم ساخت (همان، ٧٦١)

به منظور برجسته نمایی قدرت سرنوشت از واژه ی«عین» به معنی مثل و مانند بهره جسته تا بدین گونه با اغراق پیوند و رابطه ی تشبیه را برقرار سازد.

پی پشتش صفی را ناوک آسا نهاده برعقب از جای خود پا (همان، ١٥٨٨)

در این بیت آمادگی صف های پشت سرهم در میدان نبرد به کمک کلمه ی «آسا» به تیری که منتظر رها شدن از کمان است تشبیه شده است .

برای پاس آن پاکیزه گوهر گروهی حلقه سان ماندند بر در (همان، ١٥٤٨)

شاعر گردهمایی جمعی از مردم را به حلقه ای دایره ای مانند کرده و برای نشان دادن رابطه ی تشبیه از واژه ی«سان » بهره گرفته است .

٢- تشبیه مفصّل:

« **به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد تشبیه مفصّل گویند .** » (شمیسا، ١٣٧٠ : ٦٠)

در تشبیه مفصّل، با ذکر وجه شبه گویا قصد شاعر از یک سو اقناع عواطف درونی و همدلی مخاطب و از دیگر سو انتقال پیام اخلاقی و حکمی است. این نوع تشبیه با داشتن همه ی ارکان، سادگی بیان شعر را اثبات می کند.

نمونه ابیات تشبیه مفصّل:

چو پروانه دلم را اضطرابی چو شمعم در رگ جان پیچ و تابی (وحشی بافقی ،ص٤٢٤ب ٢٢٢)

شاعر در این بیت برای اینکه از یک سو شدّت پریشانی اش را به مخاطب منتقل کرده و از سویی دیگر شنونده را با احساسات درونی خویش همراه سازد، شیدایی دل خود را به پروانه ای مضطرب مانند کرده و وجود خویش را به شمعی تشبیه کرده که در درونش آشوب و غوغایی بر پاست .همچنین با ذکر وجه شبه ها (اضطراب و پیچ و ناب داشتن) به روشنی، حالات باطنی و ظاهری خود را به تصویر کشیده است .

چرا چون جغد در جیب آوری سر از این ویرانه یک دم سر برآور (همان، ٢٣٨)

به جهت ویژگی خاصّ جغد که به نوعی سمبل شومی می باشد شاعر به مخاطب بد یمن ، شرمنده ومنزوی خویش بدین وسیله تلنگری میزند که از لاک خویش بیرون بیاید .

ادیب افکند سر چون خامه در پیش بسی پیچیدهمچون نامه بر خویش (همان، ٥٥٥)

Archive of SID

www.SID.ir

شاعر برای اینکه نهایت اندوه و شدّت درد جانکاه ادیب را به وضوح نشان دهد چنین صحنه آرایی می کند که ادیب همانند قلم سرش را پایین انداخته و بـه سـان نامـه وطومـاری (کـه معمـولا بـه صـورت فشـرده می پیچیدند) بسیاردر فشار بوده و گویا ازناراحتی فراوان به خود می پیچیده است .
وجه شبه مصراع اوّل : سر در پیش آوردن ، وجه شبه مصراع دوم بر خویش پیچیدن

۳- تشبیه مجمل:

« **به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر نشده باشد تشبیه مجمل گویند .** » (شمیسا، ۱۳۷۰ : ٦۰)

در تشبیه مجمل، با حذف وجه شبه خواننده نیاز به تأمّلی ژرف برای دست یابی به اجزا و مفهوم شعر دارد. از آنجا که از ویژگی های مکتب وقوع و واسوخت (سبک وحشی بافقی) ساده سرایی است، لـذا در دو اثـر مورد نقد، این نوع تشبیه نمود چشمگیری نداشته است.گویا این نوع تشبیه، چندان مورد توجّه شاعر نبوده ، به طوری که بر اساس بازبینی موشکافانه جز چند نمونه ی انگشت شمار ، شـاهد مثـال فراوانـی بـه چشـم نخورده است . نمونه ها یی از تشبیه مجمل:

پنـاه خیـل گـردان قوی تن سپر مانند بر سر خود آهن (وحشی بافقی، ص ٤٦۰ب ۱۰۲٤)

از آنجا که در میدان مبارزه و کارزار سپاهیان جنگجوی پهلـوان بـرای محافظـت از پیکـر و سـر خـویش از سپروکلاهخود استفاده می کرده اند لذا شاعر با توج،ه به طرفین تشبیه و شباهت ویژگی های آن ها از آوردن وجه شبه خودداری کرده است .

وز آنجا شد پریشان سوی منزل رخی چون کاه و کوه درد بر دل (همان، ۵۳۳)

از ویژگی های بارز کاه رنگ زرد آن است که به عنوان نماد برای به تصویر کشیدن رنـگ پریـدگی و زردی صورت آن را به کاه مانند می کرده اند .همچنین شاعر با اغراق فراوان درد و اندوه را به کوهی تشـبیه کـرده که به آسانی از وجود فرد مورد نظر (شهزاده منظور)رخت نخواهد بسـت وهمـواره چـون کـوهی بـردلش سنگینی می کند.

٤- تشبیه مؤکّد(تشبیه کنایت):

«آن است که خالی باشد از حروف تشبیه »(رازی ،شمس قیس ،۱۳۷۳: ۳۰۸)

این نوع تشبیه را مطلق نیز گفته اند: «وآن چنان باشد که چیزی را به چیـزی ماننـد کننـد، و تشـبیه را منعکس گردانندومشبّه به را، به مشبّه تشبیه کنند،و وجه شبه غیر مذکور باشد. » (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳٦۹: ۱۰۷)

این نوع تشبیه به دلیل حذف ادات، تلاش ذهنی بیشتری را می طلبد. همچنین بر تأثیر کلام می افزایـد. لذا از دو جنبه نقد می شود: الف) مجزّا از تشبیه بلیغ ب) در دسته بندی تشبیه بلیغ. در ایـن بررسـی شـاعر توجّه چندانی به نوع الف نداشته است حال آن که توجّه ویژه و خاصّ او و علاقه ی وافرش به تشبیه بلیـغ باعث ایجاد تصاویر بسیاری از این دست شده است که در ذیل مفصّلاً شرح داده می شود. در اینجا به بیتـی که مجزّا از تشبیه بلیغ است اشاره می گردد:

نمونه ی تشبیه مؤکّد:

یلان بستند، صف در دور زنجیر زهر سو پر زنان شد **طایر تیر** (وحشی بافقی،ص٤٥۳ب۸۵۳)

شاعر برای به تصویر کشیدن صحنه ی میدان جنگ و مجسّم ساختن پرتاب تیر از جهات مختلف، آن را بـه پرنده ای که دائما از هر سودر حال پرواز است تشبیه کرده است تا بدین وسیله تصـاویری واقعـی در ذهـن انسان تداعی شود .

۵- تشبیه بلیغ:

Archive of SID

www.SID.ir

جهت بررسی این نوع تشبیه لازم است مروری اجمالی به تقسیم بندی تشبیه بر مبنای نظر قدمای ادب فارسی و صاحبنظران فنّ بیان داشته باشیم :

الف: «بدان که تشبیه بر انواع است : تشبیه صریح و تشبیه کنایت و تشبیه مشروط و تشبیه معکوس و تشبیه مضمر و تشبیه تسویت و تشبیه تفضیل. » (رازی ،شمس قیس ،۱۳۷۳: ۳۰٦)

ب: «این[تشبیه را] در کتب صنعت شعر هفت قسم آورده اند : تشبیه مطلق ، تشبیه مشروط،تشبیه کنایت ،تشبیه تسویت،تشبیه عکس ، تشبیه اضمار ، تشبیه تفضیل»(رشیدالدّین وطواط، ۱۳٦۲: ٤۲)

ج:محمدبن عمر رادویانی در«ترجمان البلاغه » انواع تشبیه را چنین برمی شمارد: «فی التشبیه المکنّی – فی التشبیه المرجوع عنه – فی التشبیه الشّرطی – فی التشبیه المزدوج» (رادویانی،۱۳٦۲ ص ۵۳)

با توجّه به تقسیم بندی های فوق در آن ها اثری از تشبیه بلیغ نیست ولی در کتاب«جواهرالبلاغه » تشبیه به اعتبار ادات به سه قسم :مرسل ، موکّد و بلیغ تقسیم شده است که در اینجا به تفصیل درباره ی تشبیه بلیغ سخن به میان خواهد آمد :

«وآن تشبیهی است که ادات تشبیه ووجه شبه آن حذف شده باشد وفقط طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه به) ذکر شود تااتّحاد آندووعدم برتری آنها نسبت به هم رابه ذهن انسان القاء کند که در این صورت مشبّه تا حدّ مشبّه به بالا رفته و به معنای مبالغه در تشبیه می باشد.» (هاشمی،۱۳۸۰: ۲۸۳)

در این نوع تشبیه، حذف وجه شبه سبب کنکاش ذهنی و التذاذ ادبی می شود. به علاوه حذف ادات تشبیه، ادّعای اتّحاد و همسانی مشبّه و مشبّهٌ به را قوّت می بخشد. از آنجا که در عصر صفویّه مکتب هندی به دنبال مکتب وقوع وواسوخت، پایه گذاری شد، کاربرد وجه شبه و ادات تشبیه کاهش یافت. لذا وحشی بافقی نیز به تبعیّت از این سبک، در سرودن اشعارش به تشبیه بلیغ توجّه خاصّ داشته، مضافاً اینکه به جهت ایجاز در تشبیه، آن را با بالاترین بسامد مطمح نظر قرار داده است؛ که می توان آن را از نشانه های دیگر سبکی وی دانست. درواقع این نوع تشبیه همچون گوهری در صدف است که جز با شکافتن صدف ظاهر نمی شود و نیز مانند محبوب در حجابی است که چهره نمی گشاید مگر آنکه از او بخواهیم.

در کتب کهن اثری از انواع تشبیه بلیغ دیده نشده است ، امّا نویسندگان معاصر این نوع تشبیه را به دو دسته ی اضافی و غیر اضافی تقسیم کرده اند که در ذیل خواهد آمد:

۵-۱- انواع تشبیه بلیغ:

۵-۱-۱) تشبیه بلیغ ا ضافی :

عبارت از:«تشبیهی است که در آن مشبّه و مشبّه به ، به هم اضافه شده باشند و دراین صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است .مثل : قدّ سرو (اضافه ی مشبّه ، به مشبّه به) »(شمیسا،۱۳۷۰: ۱۱۰)

لازم به ذکر است در «ناظر و منظور » پر بسامد ترین نوع تشبیه از این دست می باشد.

نمونه ابیات تشبیه بلیغ اضافی:

به نور مهر مه را ره نمودی **نقاب ظلمت**ش از رخ گشودی (وحشی بافقی،ص٤۱۳ ب ۷)

شاعردر مصراع نخست به واقعیّتی علمی اشاره دارد که ماه نور و روشنی اش را مدیون خورشید است گویا در این امر در واقع راهنمای ماه نیز محسوب می شود ودر مصراع دوم به زیبایی هرچه تمام تر از یک سوبرای ماه چهره ی انسانی تصوّر می کند که در تاریکی به سر می برده است و خورشید با نور افشانی

Archive of SID

www.SID.ir

خود نقاب از رخسار ظلمانی ماه برداشته واز آرایه ی تشخیص بهره جسته است ، وازسوی دیگر ظلمت را به نقاب تشبیه کرده وبا ترکیب آن ها تصاویری نغزوقابل تجسّم پدید آورده است.

در بیتی دیگر شاعر خطاب به خداوند به پاس بر شمردن نعمت هایی که به انسان ارزانی داشته است چنین می سراید:

به ده کسوت نمودی ارجمندش به **تاج عقل** کردی سربلندش (همان، ۱۹)

منظور از ده کسوت براساس نظر قدما پنج حسّ ظاهری و پنج حسّ باطنی و نهانی یعنی: «پنج بیرون (حواسّ پنجگانه) و پنج درون (اندیشه ویادگرفتن ، نگاه داشتن، و تخیّل کردن، و تمییز وگفتار.)» (امیر عنصرالمعالی ، ۱۳٦۸ : ۳۰)

خداوند به واسطه ی ده کسوت انسان را اشرف مخلوقات قرار داده است و با اعطای عقل و خردکه همانند تاجی ارزنده و گرانقدربرای اوست سرافراز و گرامی اش نموده است.

به **خار ظلم**، این دریای پرشور **چراغ معدلت** را کرده بی نور (همان، ۲۰۲)

شاعر ظلم و ستم را به خار و معدلت و دادگری را به چراغ مانند کرده است تا از رهگذراین تشبیهات دریای پر شور را که نشان از دنیای پر از آشوب و غوغا ست به تصویر بکشد .(این تعبیر بر اساس ابیات پیشین است که در ناظر و منظور آمده و به جهت محدودیّت مقاله از آوردن آن خود داری شده است.)

۵-۱-۲)تشبیه بلیغ غیر اضافی (اسنادی) :

«تشبیهی که در آن ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده باشد می تواند به صورت غیر اضافی نیز به کار رود و دراین صورت اغراق در آن به اوج می رسد زیرا در کلام ادّعای همسان بودن قوی تر از ادّعای شبیه بودن است . »(شمیسا ، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

نمونه ابیات تشبیه بلیغ غیر اضافی (اسنادی)

تو آن **مرغ** خوش الحانی در این باغ که از رشکت هزاران را بود داغ (وحشی بافقی،ص٤٢٤ب ۲۳۷)

شاعر مخاطب خویش را به مرغ خوش نوایی مانند کرده است که بلبلان خوشآواز به حال او غبطه می خورند.

زبان اژدها ، برگ گیاهش خم و پیچ افاعی ، کوره راهش (همان، ۵۰۷)

با اغراق و بزرگ نمایی فراوان، شاعر باغی که «ناظر» در رویای خویش با عشق وصال به «منظور» تصوّر کرده است این گونه به تصویر می کشد : در این باغ برگ گیاه همانند زبان اژدها بسیار بلند است و کوره راه آن همچون پیچ و خم مارهای افعی بوده است .

تقسیم بندی تشبیه به اعتبار حسّی و عقلی:

۱- تشبیه حسّی به حسّی:

در این نوع تشبیه «طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه به) هردو حسّی باشند یعنی با یکی از حواسّ پنجگانه ی ظاهری قابل درک باشند. » **(هاشمی ، ۱۳۸۰: ۲۵۸)**

رابطه ی میان دو امر حسّی در تصویر، یک رابطه ی منطقی و محسوس است. این گونه تصاویر غالباً دو بعدی هستند. در این نوع تشبیه، شناخت جهان و اشیا همان گونه که هستند در ذهن بازتاب می یابند و دستخوش تصرّف خیال شاعرانه نمی شوند، بلکه ذهن همانند آیینه در برابر طبیعت قرار دارد و طبیعت را

Archive of SID

www.SID.ir

همان گونه که هست باز می نمایاند. این نوع تشبیهات، به واسطه ی حواسّ پنجگانه درک می شوند. در اشعار وحشی بافقی عواملی همچون: زبان ساده ی شاعر، ارتباط نزدیک با مخاطب و انتقال ساده ی پیام، سبب پدیدار شدن بالاترین بسامد در این بخش شده است. شاعر از رهگذر این نوع تشبیه، به زیبایی احساسات و اندیشه های مخاطب خویش را تحت سیطره خویش قرار می دهد و با خود همراه می سازد.

نمونه ابیات تشبیه حسّی به حسّی :

به خوبی شد چنان شهزاده منظور که در عالم چو خور گردید مشهور (وحشی بافقی،ص۴۳۱ ب۳۸۹)

گزد انگشت چندانی که در مشت سیه سازد چونوک خامه انگشت (همان، ۵۷۳)

در این معدن که زر سیماب گردید به سان کیمیا نایاب گردید (همان، ۱۴۳۸)

با توجّه به تعریف تشبیه حسّی به حسّی در ابیات فوق به روشنی نمایان است که واژه های مشخّص شده با حواسّ پنجگانه قابل درک و حسّ می با شند . لذا شاعر نوعی رابطه ی شباهت از جهت زیبایی بین واژه های شهزاده منظور و خور (خورشید) در نظر گرفته است . از حیث شکل بین نوک قلم و انگشت همانندی وجود دارد لذا این دو واژه به یکدیگر تشبیه شده و به جهت ارزشمندی زر به کیمیا مانند گشته است.

۲- تشبیه عقلی به حسّی»

«گاه یک طرف تشبیه ، حسّی و طرف دیگرش غیر محسوس است مثل اینکه بگوییم : مرگ مثل گرگ درّنده است زیرا حقیقت مرگ مانند حیات با حواسّ ظاهر درک نمی شود و آنچه محسوس باشد از آثار خارجی آنهاست .»(همایی ،۱۳٦۸: ۲۳۰)

رایج ترین نوع تشبیه، عقلی به حسّی است؛ زیرا هدف تشبیه بیان و توضیح حال مشبّه می باشد. شاعر به جهت برقراری ارتباط مؤثّر و سریع با مخاطب از مشبّهٌ به های حسّی فراوانی استفاده کرده و تصاویر زیبایی آفریده است. شاعر در ابیات زیربرای نشان دادن بخشندگی و سخاوتمندی شهزاده منظور آن را یک بار به ابر و بار دیگر به گنج مانند کرده است .

نمونه هایی از تشبیه عقلی به حسّی:

صدف آبستن از ابر سخا یش گهر بی قیمت از دست عطایش (وحشی بافقی،ص٤۲٦ب ۲٦۵)

گدایانیم از گنج سخا یت نهاده چشم بر راه عطایت (همان، ۱۹۸)

۳- تشبیه حسّی به عقلی:

در این نوع تشبیه، از آنجا که مشبهٌ به عقلی و انتزاعی است لذا تصوّر و تجسّم چنین تشبیهاتی در برخی مواقع غیر منطقی به نظر می رسد. امّا برخی ادیبان دیدگاهی متفاوت ارائه کرده اند. آن ها معتقدند: «میزان حسن و قبح تشبیه همانا، پسند و ناپسند ذوق سلیم و سلیقه ی مستقیم است و شرط، وجود خارجی داشتن یا قابل عکس کردن تشبیه نیست.» (همایی، ۱۳٦۳ : ۲۳۲).

«تشبیه به اقتضای خود جنبه های متفاوتی از یک پدیده، شیء، حالت و ... را تصویر سازی می کند و مسائل کاملاً ذهنی را به طور عینی و محسوس در برابر چشمان خوانندگان به تصویر می کشد و بر عواطف آن ها تأثیر مستقیم بگذارد.»(شفیعی کدکنی،موسیقی در شعر فارسی، ۱۳٦٦ : ٤٦)

با وجود این، وحشی بافقی با عنایت به دیدگاه نخست جز در مواردی نادر، چندان علاقه ای به سرودن این نوع تشبیهات از خود نشان نداده است.

نمونه ها یی از تشبیه حسّی به عقلی:

چو بخت من جهانی رفته در خواب من از افسانه ی اندوه بی تاب (وحشی بافقی،ص٤۲٤ ب ۲۲۱)

Archive of SID

www.SID.ir

در ا و هـر گـرد ، خوانی آسمانی بر او اطباق سیمین کهکشانی (همان، ۱۳٦۲)

در ابیات فوق ، «جهان» و«هر گرد» که از امور حسّی هستند به ترتیب به «بخـت»و«خـوان آسـمانی» کـه اموری عقلی می باشند مانند شده اند.

٤- تشبیه عقلی به عقلی:

«تشبیه معقول به معقول است در این مورد نخستین و عمومی ترین مثال یـک بـار تشـبیه وجـودچیزی است به عدم و یک بار تشبیه عدم چیزی است به وجود.»(جرجانی ، ۱۳۷۰ : ٤۱)

«مشبّه و مشبّه به هردو عقلی باشند (یعنی با عقل درک شوند) و بدان که امور عقلـی غیـر از امـور حسّـی است [یعنی هرچیزی که با حس قابل ادراک نباشد عقلی می باشد] بنا براین عقلی هـم شـامل امـور ذهنـی می شود مانند اندیشیدن ، آفریدن ، بهره بردن ، آرزو ، علم ، تیز هوشی و شجاعت وهم شامل امـور وهمـی می شود که عبارت است از چیزی که نه خود آن در خارج وجود دارد نه اجزای آن ، ولی اگـر وجـود پیـدا کند با یکی از حواس قابل درک است [مانند سیمرغ] وهم شامل امور وجدانی می شود و آن عبارت است از اموری که با قوای باطنی درک شوند مانند : غم و شادی ، سیری و گرسنگی ، تشنگی و سیرابی.»(هاشمی، ۱۳۸۰ : ۲۵۹)

در این نوع تشبیه از مشبّهٌ به عقلی، وجه شبه روشنی حاصل نمی شـود تـا حـال مشـبّه، بـه کمـک آن دریافت شود. لذا با آوردن وجه شبه و یا معروفیّت آن تصویری در ذهن قابل تصّور خواهد بـود. بـه عـلاوه توجّه خاصّ شاعر به اصل کلام است نه محبوس شدن در صنایع ادبی. بدین سبب شـاهد مثـال فراوانـی از این مقوله یافت نمی شود.

نمونه ی تشبیه عقلی به عقلی:

دهم مسواک وتسبیح و توکّل که دیو طبع را ازآن کنم غل (وحشی بافقی،ص ٤۱۷ب ۸۵)

در بیت فوق شاعر واژه ی طبع را که از امور عقلی و انتزاعی است به دیو که امـری وهمـی اسـت و بـا حواس قابل درک نمی باشد مانند کرده است ومعتقد است با عواملی نظیر توکّل ، عبادت ونظافت می تـوان آن را به بند کشید ومهار نمود .

تشبیه به اعتبار مفرد، مقیّد و مرکّب :

در تشبیه مفرد،تصوّر وتصویر یک هیئت یا یک چیز مورد نظر است در حالی کـه در تشـبیه مقیّـد، تصـویر مفرد مقیّد ووابسته به قیدی است .

بیشترین نگاه شاعر در این بخش، به تشبیهات مفرد متمرکز می باشد. لازم به ذکر اسـت کـه تشـبیهات مقیّد و به ویژه مرکّب نیز در آثارش دیده می شود که با وجود تعداد محدود، تصاویری بسیار نغز و دلکـش پدید می آورد. در ذیل شاهد مثال هایی از هر یک آورده می شود:

نمونه ی تشبیه مفرد:

منم زین طوق چون قمری فغان ساز به یاد قدّت ای سرو سرافراز (همان، ۱۰۵٦)

نمونه ی تشبیه مقیّد:

به سان چرخ، آن **رخش سبک پی** بیابانی به گامی ساختی طی (همان، ۸۷۱)

نمونه ابیات تشبیه مرکّب:

۱) خدنگ از ترکش ترکان خون دوست برون آمد به سان مار از پوست (همان، ۱۰۱۱)

Archive of SID

www.SID.ir

شاعر در بیت فوق با خلق تصاویری عینی و حقیقی صحنه ی بیرون آمدن خدنگ از تـرکش و شـتاب این حرکت را به پوست اندازی مار تشبیه می کند و هیئتی زیبا می آفریند.

۲) پر از خونش دو چشم ناغنوده چو اخگرها زخاکستر نموده (همان، ۱۱۸٦)

در این بیت: چشمانی به تصویر کشیده شده که از شدّت بیخوابی غرق خون است. شاعر ایـن تصـاویر را بسان جرّقه های آتش که زیر خاکستر پنهان شده و ناگهان زبانه کشیده و سرخ و شعله ور گشـته تجسّـم می کند.

چنان که ملاحظه می شود شاعر در پیدایش تشبیهات مرکّب دستی توانا دارد. « تشبیهات مرکّب هیئـت منتزع از چند چیز است و با زبان امروز، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیـز در بـه وجـود آوردن آن نقش داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۰ : ۷۰)

تصاویر حاصل از تشبیهات مرکّب حاکی از ذوق هنری شاعر است. «تشبیه مرکّب را با عناوین هماننـد سازی مرکّب یا تشبیه پیوسته نیز نامیده اند.» (ثروتیان، ۱۳٦۹ : ۳۰)

از نامگذاری دکتر ثروتیان چنین استنباط می شود که در تشبیه مرکّب، مصراع ها به گونه ای با یکدیگر امتزاج می یابند که تصاویر آن ها در کنار هم گره می خورند، و هر یک جداگانه در نظر گرفته نمی شوند.

اینک به مباحثی پیرامون انواع وجه شبه اشاره می شود:

بیشترین بسامد وجه شبه در «ناظر و منظور» از نوع مفرد می باشد. وجـه شـبه متعـدّد و مرکّـب نمـود چندان چشمگیری ندارد. با این وجود، همان تعداد اندک هنری و ارزشمند است.

نمونه ابیات وجه شبه مفرد، متعدّد و مرکّب:

۱- وجه شبه مفرد: (آشکار شدن)

کمند سرکشان از هر کناره به گردن ها چوشهرگ **آشکاره** (وحشی بافقی،ص٤٦۰ ب۱۰۲۰)

۲- وجه شبه متعدّد: (گداختن و از پا انداختن)

غم دل شمع سان **بگداخت** ما را به صد محنت زپا انداخت ما را (همان، ۷۲۷)

۳- وجه شبه مرکّب: نمایان شدن نور و روشنایی از درون چیزی (با توجّه به بیت زیر):

فروغ ساعدش از آستین ها چو نور شمع از فانوس پیدا (همان، ٤۰۳)

انواع وجه شبه از حیث عقلی و خیالی:

۱- تحقیقی ۲- تخییلی

وجه شبه از مهم ترین مباحث تشبیه است، زیرا مبیّن جهان بینی و وسعت تخیّل شاعر است و در نقـد تشبیه، وجه شبه مبنا محسوب می شود و نوآوری یا تقلید شاعر را نشان می دهد.

در وجه شبه تحقیقی، مایه ها و زمینه های شباهت مورد نظر، تا حـدودی حقیقتـاً در دو سـوی تشـبیه وجود دارد، در حالیکه در وجه شبه تخییلی، مورد شباهت در طرفین تشبیه یا یکی از آن دو خیالی و ادّعایی است.

وحشی بافقی دراین اثر ، هم به مفاهیم واقعی و حقیقی توجّه دارد و هم به مفـاهیم تخیّلـی و انتزاعـی علاقه نشان می دهد. و در هر دو نوع آن، چیره دستی زاید الوصفی از وی نمایان است. در بیت:

عروس خورچو شد زین حجله بیرون به گوهر داد زیب جمله گردون (همان، ۲۰۰۷)

شاعر برای نشان دادن وجه شبه تحقیقی، تشبیه بلیغ عروس خور را به کـار مـی بـرد کـه از مشـبهٌ بـه: عروس، صفت زیبایی به عنوان وجه شبه استنباط می شود. در بیت زیر، وجه شبه تخییلـی کـه هنـری تـر و مبتکرانه تر است، دریافت می شود. زیرا شاعر صفت در پای براق افتادن را به ماه نسبت می دهد و این امر،

Archive of SID

www.SID.ir

ادّعایی و خیالی است و صحنه ای زیبا در مقابل دیدگان انسان مجسّم می کند. ماه علاوه برتشبیه که در بیت نمود ظاهری دارد ، به صورت تصویر در تصویر استعاره نیز است .

چو با خود دید **مه** در یک وثاقش چو **نعل** افتاد در پای براقش (همان، ۷۲۹)

انواع تشبیه به لحاظ شکل:

۱- مفروق ۲- جمع ۳- تسویه ٤- مضمر ٥ - تمثیل و ...

در این بخش، تشبیه مفروق بیشترین بسامد را داراست. «و آن چنانست که مشبّه و مشبّه به متعدّد ولی هر مشبّهی با مشبّه به خود باشد.»(صفا ، ۱۳٦۸ : ٥۳)

بنا بر این در این نوع تشبیه، هر مشبّه در کنار مشبّهٌ به خود ذکر می شود. این امر نشانی دیگر بر سادگی زبان شاعر است.

نمونه ابیات تشبیه مفروق:

منم چون اشک خود در ره فتاده به دشت نا امیدی سر نهاده (وحشی بافقی،ص ٤٤٥ ب٦۹۹)

چو نیزه خودِ آهن مانده بر سر چو ششپر، جوشن پولاد در بر (همان، ۹٦٦)

در «ناظر و منظور» تعدادی تشبیه جمع نیز به کار رفته است. «تشبیه جمع عبارت است از این که مشبّه به متعدّد بوده ولی مشبّه ، به صورت مفرد باشد. »(هاشمی ، ۱۳۸۰: ۲٦٥)

نمونه ی تشبیه جمع:

زبان او کلید گنج عرفان به سان گنج در ویرانه پنهان (وحشی بافقی،ص٤۳۰ ب۳٥۷)

مشبه: زبان او/ مشبهٌ به ها: کلید گنج عرفان و گنج در مصراع دوم

لازم به ذکر است شاعر به انواع دیگر تشبیه در این بخش علاقه ای نشان نمی دهد لذا شاهد مثالی یافت نمی شود.

اینک به عواملی دیگر که بر زیبایی تشبیه، در «ناظرو منظور» مؤثّرند، پرداخته می شود:

الف) اغراق در تشبیه:

اغراق شعر را شورانگیز و حیرت آفرین می کند. به همین سبب از عناصر عمده ی زیبایی به شمار می رود و از عوامل پیدایش تصاویر زیبا و تحیّرآمیز محسوب می شود. «اغراق ناشی از شور و هیجان شدید عاطفی است و از نیروی خیال مایه می گیرد. بنابراین خود نوعی تصویر به شمار می آید.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱ : ۲٥۳)

وحشی بافقی این آرایه را در بسیاری از اشعارش با تشبیه همراه می کند و تصاویری نغز می آفریند. به جهت فراوانی بسامد و اهمیّت این آرایه در ایجاد تصویرهای زیبا ابیاتی به عنوان شاهد مثال آورده می شود که نشانه ی برجسته نمایی و خارق العاده بودن ابیات است. شاعر بدین وسیله با بزرگنمایی تشبیهاتی را که از نظر عقلی پذیرفتنی نیستند به گونه ای با اغراق بیان می کند که نه تنها قابل پذیرش جلوه می کنند بلکه موجب لذّت هنری و ادبی نیز می شوند.

نمونه ابیات اغراق در تشبیه:

صف مژگان او کز هم گذشته کمین گاه هزاران فتنه گشته (وحشی بافقی،ص ٤۳۱ ب۳۹٥)

شاعر برای به تصویر کشیدن جذّابیّت مژه ها و دلربایی چشمان شهزاده منظور، آن ها را به صفی تشبیه می کند که هزاران شیفته را فریفته خویش ساخته، به دام خود می اندازد.

همچنین برای تجسّم غنچه ی لب «شهزاده منظور» این بیت را می سراید:

به تنگی زآن دهان ذرّه مقدار نفس راه گذر می دید دشوار (همان، ۱۳۷۸)

Archive of SID

www.SID.ir

وی حالت نحیفی و تیره روزی «ناظر» را به خاطر دلدادگی چنین توصیف می کند:

منم چون موی خود گردیده باریک چو شام تار روزم گشته تاریک (همان، ۱۱۲٦)

در بیت زیر، با اغراق فراوان غمزه ی «شهزاده منظور» را به سپاه تاجدار و صف مژگانش را بـه خنجـر گذاران مانند می کند و تصاویری تأثیرگذار خلق می کند:

سپاه غمزه ی او تاجداران صف مژگان او خنجرگذاران (همان ،۱۳۸٤)

لازم به ذکر است اغراق در «ناظر و منظور» به وفور یافت می شود حال آن که در خلد برین اثری از آن وجود ندارد.

ب) تزاحم در تشبیه:

شاعر، چند تشبیه را با هم در یک بیت ذکر می کند. مهم ترین کارکرد تزاحم در تشبیه، برجسته کـردن جنبه های زیبا شناسانه ی ابیات است. همچنین به دلیل وجود چندین تشـبیه در کنـار یکـدیگر و فشـردگی ابیات، عمدتاً وجه شبه محذوف است. از این رو کلام از ایجاز بالایی برخوردار شده، لذّت ادبی بیشـتری را به همراه دارد. این تشبیهات تودرتو و فشرده تصاویر زیبایی پدید آورده اند.

نمونه ابیات تزاحم در تشبیه:

چو پـروانـه دلم را اضطرابـی چو شمعم در رگ جان پیچ و تابی (همان، ۲۲۲)

منظره ای داشت چو قصر سپهر شمسه ی طاقش، گل زرّین مهر (همان، ۱۱٤۲)

ج) تلفیق آرایه های دیگر و همراهی آن ها با تشبیه:

از دیگر شیوه های جالب توجّه در اشعار وحشی بافقی تلفیق و به کارگیری آرایه های دیگر و همراهی آنها با تشبیه است که در ایماژ آفرینی نقش بسزایی داشته است.

نمونه ی تلفیق مجاز و تشخیص با تشبیه:

در بیت: زهر سو غنچه بر آهنگ بلبل سرانگشت می زد بر دف گل (همان، ۱۱۷۱)

شاعر به شایستگی به کمک آرایه های مجاز و تشخیص با تشبیه، تصاویر خیال انگیز و زیبایی از گلزار می سازد.

سرانگشت: (مجاز از ناخن)، دف گل: (تشبیه بلیغ اضافی)، سرانگشت زدن غنچه: (تشخیص) شاعر در ابیات بسیاری حسن تعلیل را به زیباترین شکل به کار می برد و با آوردن دلایل نغز و جالـب، سـبب اقنـاع درونی و التذاذ ادبی، همچنین پذیرش ذهنی تصاویر می شود.

نمونه ی بیت تلفیق حسن تعلیل با تشبیه:

از آن رو صبح این روشندلی یافت که چون ما، در دلش مهر علی تافت (همان، ۱۷۱)

دلیل روشنایی صبح به واسطه ی عشق ورزی به علی (ع) (که تجلّی نور است) تفسیر می شود. همـان گونه که وجود با عظمت علی (ع) به دلیل محبّانش (ما) پرتو می افکند می تواند عامل روشـنایی صـبح نیـز باشد.

همچنین شاعر با استفاده از آرایه های تناسب و اغراق و تلفیق آن ها بـا تشـبیه، تصـاویری زیبـا خلـق می کند.

نمونه بیت تلفیق اغراق و تناسب با تشبیه:

در بیت:

چه جذب است این کزین دریای اخضر به ساحل می دواند کشتی خور (همان، ۵۷)

وی از یک سو با آوردن واژه های دریا، ساحل، کشتی و از سوی دیگر با واژه ی اخضر که مـی توانـد قرینه ای برای دریا باشد و آن را به استعاره ی مصرحه از آسمان تبدیل کند. همچنـین تشـبیه خورشـید بـه

Archive of SID

www.SID.ir

کشتی، آن هنگام که کشتی به ساحل لنگر می اندازد خورشید نیز به سمت و سوی آرام و قرار خویش می دود؛ همگی پدید آورنده ی تصاویری دل انگیز و در عین حال اشاره به توجّه و تأمّل انسان به پدیده ی خلقت و غروب خورشید دارد.

اینک انواع تشبیه، از حیث زاویه ی تشبیه بررسی می شود:

براساس زاویه ی تشبیه، (رابطه ی طرفین تشبیه) هر اندازه دورتر باشد تشبیه هنری تر است و در اصطلاح به آن تشبیه غریب می گویند که تصاویری دل انگیز می آفریند. «لطف تشبیه در غرابت آنست و دوریش از ابتذال.» (زرین کوب، ۱۳۷۱ : ٦٧)

نمونه بیت تشبیه غریب:

زبان اژدها، برگ گیاهش خم و پیچ افاعی، کوره راهش (وحشی بافقی ،ص ٤٣٦ب ۵۰۷)

بنا بر این نگارنده ی این سطور با توجّه به تعریف تشبیه غریب چنین استنباط می کند که هر قدر زاویه ی دید تشبیه تنگ تر و شباهت بین مشبّه و مشبّهٌ به واضح تر و نزدیکتر باشد، تشبیه غیر هنری تر است که در اصطلاح می توان آن را تشبیه مبتذل نامید . مانند: زهر مصیبت : (همان، ۵۰۹) گنج عشق: (همان، ١٤)

در مثنوی « ناظر و منظور» بیشتر تشبیهات از نوع دوم است.

ب: فصل دوم) تحلیل مضمون و پیام تشبیهات:

۱) بررسی موضوعی پیام ها و تصاویر تشبیه:

کشف شباهت ها در میان عناصر طبیعی، انتزاعی، اشیا و ... سبب درک دقیق تری از ارتباط دو سویه ی تشبیه می شود و پویایی و تازگی تصاویر نمود بیشتری می یابد.

در « ناظر و منظور» دو رکن اصلی تشبیه شامل موضوعات گوناگونی است. در این اثرچند موضوع به مشبّه اختصاص دارد: موضوعاتی نظیر: عناصر انتزاعی، شهزاده منظور، عناصر طبیعی، ناظر و جانوران، در این اثر مرکز توجّه شاعر تقریباً به نسبت مساوی به سمت عناصر انتزاعی و شهزاده منظور معطوف می شود.

نمونه ی بیت در « ناظر و منظور» مشبّه: عناصر انتزاعی:

به تاج نامداری سربلندی به زنجیر **عدالت** ظلم بندی (همان، ٣٤١)

به جهت محدودیت حجم مقاله برای موضوعات ذکر شده ودارا بودن بالاترین بسامد در عناصر انتزاعی وشهزاده منظورصرفا هاله های تصویری این دو مورد در زیر رسم خواهد شد.

تقسیم بندی تصاویر در جایگاه مشبّه در ناظر و منظور:

۱- عشق (عناصر انتزاعی)

۲- شهزاده منظور

هاله ی تصویری تشبیه؛ مشبّه: عشق (عناصر انتزاعی) **هاله ی تصویری تشبیه با مشبّه :** (شهزاده منظور)

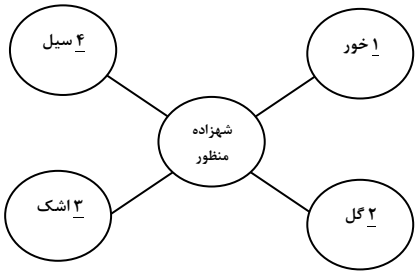

Archive of SID

www.SID.ir

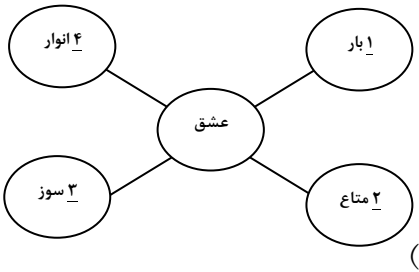

شماره ابیات:

۱)(همان، ٤٢)

۲) (همان، ٤٢)

۳) (همان، ۷۱۰)

٤) (همان، ۷۱۰)

شماره ابیات:

۱) (همان، ۳۸۹)

۲) (همان، ٤٤٦)

۳) (همان٦٩٩)

٤) (همان، ۹۱٤)

۳- عناصر طبیعی: پیک خور (همان، ۲۰۵)

٤- شاعر: سحرخیزی بسی کردم چو خورشید: (همان، ۱٤۷۷)

۵- جانوران: زنور آفتاب آن رخش چون برق (همان، ۱۷۸۵)

تشبیه به اعتبار موضوع مشّبهٌ به:

مشّبهٌ به از اصلی ترین ارکان تشبیه، مؤثّرترین نقش را در تصویر آفرینی به عهده دارد. « درک دقیق مشبّهٌ به، جهان بینی و شخصّیت و محیط هنرمند را برای ما ترسیم می کند و از آن می توان به دنیای درون نویسنده و شاعر راه یافت.» (شمیسا، ۱۳۷۰ : ۳۰)

در «ناظر و منظور» موضوع مشّبهٌ به، منحصر به دو عامل اشیا و عناصر طبیعی می شود. در این اثر بیشتر تشبیهات از نوع عقلی به حسّی یا حسّی به حسّی هستند.مانند: شراب اجل: (ناظر و منظور ،ص ٤۷۲ب ۱۲۸۹) شمع خسرو: (همان، ۹۹۷): مشّبهٌ به: اشیا

از دیگر عوامل سازنده ی مشبّهٌ به، عناصر طبیعی است. میزان بسامد اشیا و عناصر طبیعی در این اثر تقریباً برابر است این امر نشان دهنده ی علاقه ی خاصّ شاعر به اشیاء پیرامون و امور طبیعی است که موجب تجسّم گرایی و توصیفات زیبا می شود. نظیر تشبیهات: گرداب غفلت: (همان، ۵۰) و مهد غصّه : (همان، ۸۰۵) که مشبّهٌ به، به ترتیب در آن ها عناصر طبیعی و اشیا است.

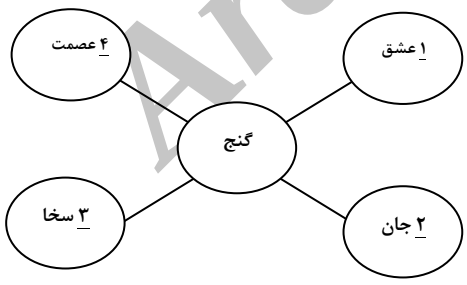

هاله ی تصویری تشبیه، مشبّهٌ به : گنج (اشیا)

شماره ی ابیات: ۱) (همان، ١٤)

۲) (همان، ۱۷)

۳) (همان، ۱۹۸)

٤) (همان، ۱۳۲٦)

اینک به ویژگی های دیگر اشعار وحشی بافقی در «ناظر و منظور» پرداخته می شود:

از اختصاصات دیگر اشعار شاعر گرایش به «توصیف» و جزئی نگاری است. یکی از شیوه های کلاسیسم و حتّی ایماژیسم توصیف یعنی: رونویسی از طبیعت است. از آنجا که از ویژگی های مشترک مکتب وقوع و سبک هندی جزئی گرایی می باشد. لذا شاعر در برخی ابیات، تا حّد زیادی به توصیف گرایی (ناتورالیسم) گرایش دارد. گویا وی به این امر مهم واقف بوده که «اصلی ترین رنگمایه ی

Archive of SID

www.SID.ir

شعررااایماژتشکیل می دهد.به عبارت دیگرمی توان شعررا نقّاشی با کلمات تصّور کرد.»(فتوحی ۱۳۸٦: ٤۱۹).

شاعر در این اثر توصیف حالات ، صفات و مناظر را در کمال زیبایی به تصویر کشیده است. وی در بخش بزمگاه سرور به زیبایی هرچه تمام تر اشعار زیر را سروده است :

عیان چون پای مرغابی زهر سوی نهال سرخ بیدی برلب جوی(وحشی بافقی،ص٤۷۷ب۱۳٤٦)
زباران بهاری سبز و خرّم دماغ غنچه و گل تر ز شبنم(همان، ۱۳٤۷)
بنفشه زآن درآب انداخت قلّاب که ماهی بد زعکس بید در آب(همان، ۱۳٤۸)
به تارک نارون را زان سپر بود که از سنگ تگرگش بیم سر بود(همان، ۱۳٤۹)
به سوی ارغوان چون دیده بگشاد شکوفه بر زمین از خنده افتاد۰۰۰(همان، ۱۳۵۰)

شاعر در بخش دیگر آنجا که رفتن شهزاده منظور را از مصر به سبزه زاری که از لطف نسیم او روح مسیحا تازه می شد و با فیض چشمه سارش خضر از آب زندگانی می گذشت به تصویر می کشد .

فضای دلگشایی دید منظور عجب فرخنده جایی دید منظور(وحشی بافقی ، ص ٤٦۹ب ۱۱٦۵)
میان سبزه آبش در ترنّم گلش از تازه رویی در تبسّم(همان، ۱۱٦٦)
گرفته فاخته بر سروش آرام زبان در ذکر باقمری در اکرام(همان، ۱۱٦۷)
عیان گردیده داغ لاله ی تر به رنگ آینه کافتد در آذر(همان، ۱۱٦۸)
زهر جانب فتاده برگ لاله چوپر خون پرده ی چشم غزاله(همان، ۱۱٦۹)
به بلبل در دهن خوانی چکاوک کله کج کرده چون هدهد به تارک۰۰۰ (همان، ۱۱۷۰)

شاعر به حجله رفتن منظور و توصیف زیبایی های معشوقه ی اورا با به کارگیری واژگان ساده و صمیمی امّا هنرمندانه آن چنان جذّاب به تصویر کشیده است که برای خواننده این صحنه را کاملا واقعی جلوه داده به گونه ای که زیبایی اشعارش با تمام وجود احساس می شود.

به سوی حجله شد منظور خوشحال به مقصودش عروس جاه واقبال(وحشی بافقی،ص٤۷۸ ب ۱۳۷۹)

زباغ دلبری قدّش نهالی رخش از گلشن جنّت مثالی(همان، ۱۳۸۰)
از اوخوبی گرفته غایت اوج محیط حسن را ابروی اوموج(همان، ۱۳۸۱)
سپاه غمزه ی او تاجداران صف مژگان او خنجر گذاران (همان، ۱۳۸۲)
دوچشم او دوهندوی سیه دل گرفته گوشه ی میخانه منزل(همان، ۱۳۸۳)
لب لعلش حیات جاودانی به وصلش تشنه آب زندگانی۰۰۰ (همان، ۱۳۸٤)

از ویژگی های دیگر اشعار وحشی بافقی (مکتب وقوع وواسوخت) ایجاد فضای اندوه و یأس می باشد. تصاویر بسیاری که حاکی از تنهایی، غربت و غم هجران اوست و نشان از دغدغه ی فردی وی دارد در ابیاتش نمایان است. گویی وی سرگشته ی دل دیوانه و محزون خویش است. تصاویری اتفّاقی که حاصل تجارب روحی و عواطف درونی اوست به کردار جرقّه ای، ناگهان در ضمیر ناخودآگاهش نقش بسته و شعله وار و بالنده از جان خواننده ی اشعار می شکوفد و ساختار واژگان، الفاظ و زبان را درهم می نوردد. این تصاویر با نظریه ی سوررئالیسم تقریباً همخوانی دارد.

شاهد مثالی برای غم تنهایی شاعر:

Archive of SID

www.SID.ir

به بند بیکسی دایم گرفتار به سان عنکبوتم روی دیوار (همان، ۱۱۲۷)

کاربرد فراوان واژگانی چون: غم، غصّه ومصیبت از یک سو، نمایی از درد بیکسی شاعر دارد و از سوی دیگر به لحاظ ویژگی سبک واسوخت برخی از کلید واژه های شعر شاعر محسوب می شود. تشبیهاتی که مؤیّد این مطلب هستند به همراه هاله های تصویری شان در ذیل خواهد آمد.

ناوک غم : (همان، ۱۰۹٤)، کوه غم : (همان، ۹۲٤) ،

بند غم: (همان، ۲۲۵)خوناب غم: (همان، ۳۰٦)،

کلبه ی غم: (همان، ٦۱۰)

هاله ی تصویری تشبیه: واژه ی غم

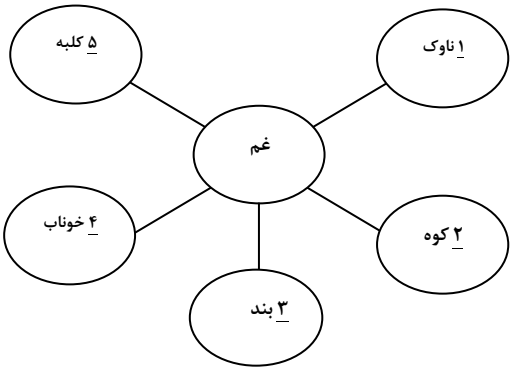

شماره ابیات : ۱) (همان، ۱۰۹٤)
۲) (همان، ۹۲٤)
۳) (همان، ۲۲۵)
٤) (همان، ۳۰٦)
۵) (همان، ٦۱۰)

زهر مصیبت: (همان، ۵۰۹) ، چاه مصیبت: (همان، ۱۰۵٤) ،

کوه مصیبت: (همان، ۱۱۱۹)،

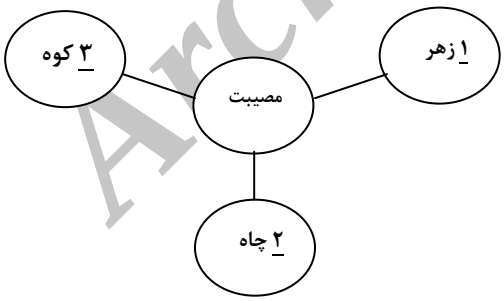

شماره ابیات: ۱) (همان، ۵۰۹)
۲) (همان، ۱۰۵٤)
۳) (همان، ۱۱۱۹)

هنر نمایی و تصویرگری وحشی بافقی از آن جهت حائز اهمّیّت است که وی واژه های بسیار ساده و سلیس و گاه عامیانه را آنچنان با زبردستی و خرد ورزی خاصی با عناصر زیبایی آفرینی همچون: تشبیه، استعاره ی مصرّحه، تشخیص، اغراق، مجاز، تناسب، حسّامیزی و ... در اشعارش به کار می برد که علاوه بر التذاذ ادبی و خلق تصاویر زیبا، حاوی پیام های ارزشمند انسانی، اخلاقی و حکمی نیز می باشند. به گونه ای که گویا قصد وی از سرودن اشعارش، انتقال مفاهیم ارزشی به ساده ترین زبان و در خور فهم

Archive of SID

www.SID.ir

عموم مردم است. مضافاً با توجّه به بیت پایانی مثنوی «ناظر و منظور» شاعر خواسته هـای قلبـی خـویش را چنین ابراز می دارد که:

قبول خاص و عامش ساز یارب به خاطرها مقامش ساز یارب (همان، ۱۵۰۶)

لذا با عنایت به این شعر این گونه استنباط می شود که وی یقیناً نگاهی ویژه به انسان های فرهیختـه و خواص نیز داشته است و نقد و تحلیل اشعارش همواره مرهون توجّه ادیبان بوده و هست تا آنجـا کـه نظـر بزرگان ادب، از گذشته تا به امروز نسبت به وی مثبت بوده است. امین احمـد رازی صـاحب کتـاب هفـت اقلیم ارادت خود را به وحشی بافقی چنین بیان می کند: «مولانا وحشی به لطف طبع، ناظم مناظم خوشگویی است لآلی آبدار، مثنویش زینت قلّاده ی فصاحت است. (رازی، امین احمد،۱۳۵۷ : ۱۸۲).

معاصرانی نظیر: رشید یاسمی، مدرّس تبریزی، دکتر صورتگر، ایرج افشار و ... نیز نظری مساعد نسبت به شاعر و اشعارش از خود نشان داده اند.

با توجّه به تعاریفی که از بهترین و ناقص ترین تشبیهات ارائه شده است: «بهترین تشبیهات آن بُوَد کـه معکوس توان کرد و ناقص ترین تشبیهات آن است کـه وهمـی بـود.» (رازی،شـمس قـیس، ۱۳۷۳ : ۱۸۹). می توان مثنوی«ناظر و منظور» را در ردیف تشبیهات متوّسط دانست. زیرا در ابیات این اثر نـه از تشـبیهات معکوس خبری است و نه از تشبیهات وهمی.

جدول ۱ مشخصات آماری تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه شبه

مشخصات آماری / انواع تشبیه	فراوانی تعداد	درصد
تشبیه بلیغ اضافی	۱۱۰	۵۵
تشبیه مرسل	۵۵	۲۷/۵
تشبیه مفصّل	۳۳	۱۶/۵
تشبیه بلیغ غیر اضافی	۷	۲/۶۹
تشبیه مجمل	۳	۱/۵
تشبیه مؤکّد	۲	۱

نکته: تعداد کلّ تشبیهات ۲۰۰

نمودار ۱ مشخصات آماری تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه شبه

Archive of SID

www.SID.ir

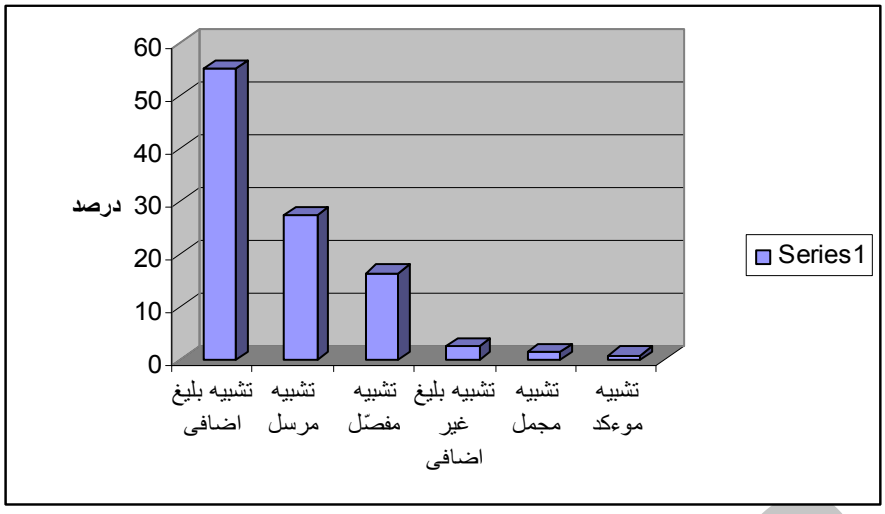

جدول ۲ مشخصات آماری ادات تشبیه به اعتبار طرفین

مشخصات آماری / انواع تشبیه	فراوانی تعداد	درصد
تشبیه حسّی – حسّی	۹۵	٤۷/۵
تشبیه عقلی– حسّی	۸۵	٤۲/۵
تشبیه حسّی– عقلی	۱۱	۵/۵
تشبیه عقلی– عقلی	٤	۲

نمودار ۲ مشخصات آماری تشبیه به اعتبار طرفین

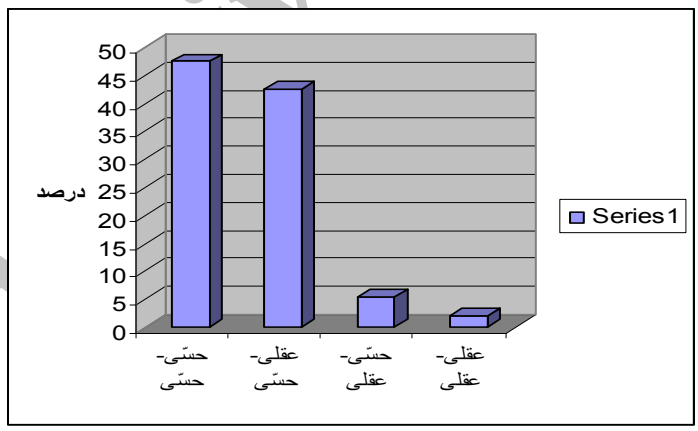

جدول ۳ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ مفرد– مقیّد– مرکّب

مشخصات آماری / انواع تشبیه	فراوانی تعداد	درصد
تشبیه مفرد	۱۵۸	۷۹
تشبیه مقیّد	۳۸	۱۹
تشبیه مرکّب	٤	۲

Archive of SID

www.SID.ir

نمودار ۳ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ مفرد- مقیّد- مرکّب

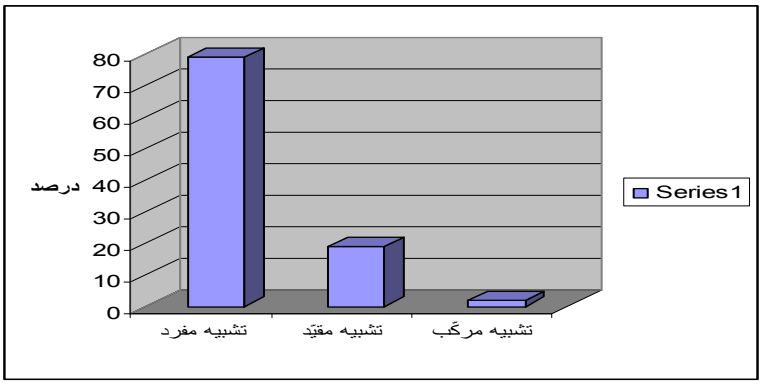

جدول ٤ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ شکل

مشخصات آماری / انواع تشبیه	فراوانی تعداد	درصد
تشبیه مفروق	۱۸۵	۹۲/۵
تشبیه جمع	۱۵	۷/۵

نمودار ٤ مشخصات آماری تشبیه به لحاظ شکل

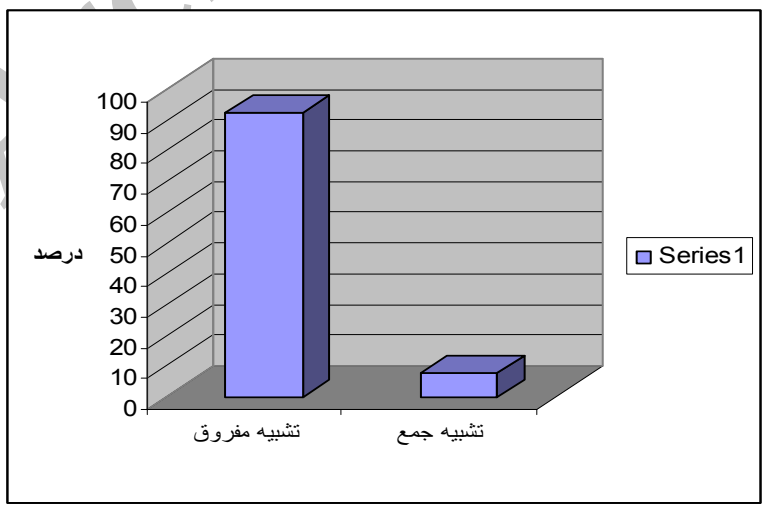

Archive of SID

www.SID.ir

حاصل سخن:

کوتاه سخن این که تصویر فرزند نگرش و عاطفه است. شاعر به واسطه ی نبوغ خدادادی خویش و با به کارگیری قوّه ی تخیّل، تصوّر و تدبّر خود نسبت به جهان پیرامونش، تأثّرات و تجسّمات زودگذر و ناپایدار را جاودان می سازد و با نیروی خلّاقه اش دست به آفرینش ادبی می زند و شعر را پدید می آورد. وی اندیشه ها و تجربیّاتش را با تخیّل در آمیخته و چاشنی کذب و ادّعا بر آن افزوده و آرایه ی دلپذیر تشبیه را رقم می زند. هر قدر پیوند تصویر با شور و شعور شعری محکم تر باشد صدق هنری آن نیز قوی تر خواهد بود.

وحشی بافقی با استفاده از انواع تشبیهات در حوزه ی تصویرسازی و مضمون آفرینی خوش درخشیده است. تشبیه به عنوان یکی از عناصر تصویر ساز کلام، در مثنوی «ناظر و منظور» بالاترین بسامد را دارد. از حیث ساختار شامل تشبیهات مرسل، مفصّل، مؤکّد، مجمل و بلیغ می باشد. تشبیه بلیغ اضافی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می دهد.

از ویژگی های سبکی شاعر می توان به مواردی نظیر: استفاده از حروف الفبا در جایگاه طرفین تشبیه، به کارگیری واژگانی همچون: به رنگ، برصورت، صفت، عین، آسا، سان و ... در مسند ادات تشبیه، توجّه خاص به تشبیه بلیغ که از زیباترین و رساترین انواع تشبیهات محسوب می شود، ساختن تشبیهات حسّی به حسّی در بالاترین بسامد به جهت زبان ساده و بی پیرایه ی شعر وی، خلق تصاویر با تشبیهات مرکّب و وجه شبه تخییلی به زیباترین شکل؛ توصیف و جزئی نگاری،تزاحم در تشبیه، تلفیق اغراق، تشخیص، تناسب، حسن تعلیل به همراه تشبیه اشاره کرد. در بررسی تشبیه به لحاظ شکل، تشبیه مفروق توجّه شاعر را بیشتر به خود معطوف می کند و در این بخش، بالاترین بسامد را داراست.

در مقوله ی موضوع تصاویر در حوزه تشبیه، در «ناظر و منظور» موضوعات مشبّه را به ترتیب بسامد، عناصر انتزاعی، شهزاده منظور، عناصر طبیعی، ناظر و جانوران شامل می شوند که به جهت گوناگونی موضوع، تصاویر متنوّعی پدید می آید. واژگانی از قبیل : مصیبت، غم، عشق بارها برای تجلّی هنر شاعر و تمایلات روحی وی به کار گرفته می شود.

در «ناظر و منظور» ،موضوع عناصر سازنده ی مشبّهٌ به را بیشتر اشیا و طبیعت تشکیل می دهند. واژه هایی چون: گنج، شمع، کوه فراوان در ابیات دیده می شوند و تصاویری نغز پدید می آورند، هاله های تصویری رسم شده نشان از درخشش وحشی بافقی در حوزه ی تصویر سازی و مضمون یابی به کمک تشبیه در سرودن مثنوی «ناظر و منظور» دارد. تصاویر در خدمت معانی ذهنی شاعر و القای معنی و مفهوم مورد نظر او هستند و نمایی از درک شاعرانه ی وی را به تصویر می کشند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع و مآخذ:

۱- براهنی، رضا، طلا در مس« در شعر و شاعری» انتشارات میثاق، تهران، ج۱، ۱۳۷۱ش.

۲- پورنامداریان، تقی، سفر در مه، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۳- تجلیل ، جلیل ، معانی و بیان ، مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، ۱۳٦۲ ش.

٤- ثروتیان، بهروز، بیان در شعر فارسی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳٦۹ش.

۵- جرجانی، عبدالقاهر، اسرارالبلاغه، ترجمه ی جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۰ ش.

٦- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۵۷ ش.

۷- رازی ، شمس الدّین محمّد قیس ، المعجم فی معاییراشعارالعجم، انتشارات فردوس،تهران،۱۳۷۳ ش.

۸- رشیدالدّین وطواط ، حدائق السحر فی دقایق الشعر ، به تصحیح و اهتمام عبّاس اقبال«آشتیانی» سنایی – طهوری – تهران ، ۱۳٦۲ ش .

۹- زرین کوب، عبدالحسین، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، انتشارات مهارت، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۱۰- سکاکی ، مفتاح العلوم ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳٦۳ ش .

۱۱- شفیعی کدکنی، محمّدرضا، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۳ش.

۱۲- - - - - - - - - - - - ، موسیقی در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۳ش.

۱۳- شمیسا، سیروس، بیان، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۱٤- صادقیان: محمّد علی، طراز سخن، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۱۵- صفا، ذبیح ا...، آیین سخن، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳٦۸ش.

۱٦- فتوحی رود معجنی، محمود، بلاغت تصویر، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸٦ش.

۱۷- فرشید ورد، خسرو، درباره ی ادبیات و نقد ادبی، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳٦۳ش.

۱۸-کیکاووس بن اسکندر ،امیر عنصرالمعالی،گزیده ی قابوس نامه،به کوشش دکترغلامحسین یوسفی،انتشارات سپهر،تهران،۱۳٦۸ ش .

۱۹- واعظ کاشفی سبزواری ، میرزا حسین ، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار ، ویراسته ، میر جلال الدّین کزّازی ، انتشارات معراج ، تهران ، ۱۳٦۹ ش .

۲۰- وحشی بافقی، دیوان، مقدمه سعید نفیسی،حواشی و تعلیقات م.درویش، انتشارات جاویدان،تهران ۱۳۷٤ش.

۲۱- هاشمی ، احمد، جواهر البلاغه، مترجم دکتر محمود خور سندی، حمید مسجد سرایی، انتشارات فیض، تهران،۱۳۸۰ش .

۲۲- همایی، جلال الدّین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات طوسی، تهران، ۱۳٦۳ش.

Archive of SID

www.SID.ir